

این صفحه برای شماست

## با چه کسی گفت و گو کنیم؟

این صفحه متعلق به شما همکاران در سازمان تبلیغات اسلامی است. شاید همین حالا پرسید در صفحه‌ای که سیدنش را به نام ما زده‌اید؛ قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ اصلاً دغدغه ثبت این صفحه چیست؟ هدف این صفحه شناسایی همکاران خوب شماست. با این تفاوت که این همکاران خوب را شما به ما معرفی می‌کنید. می‌پرسید چطور؟

بعد از خواندن این مطلب کمی درباره همکاران عمیق‌تر فکر کنید؛ همکارانی که علاوه بر حسن انجام مسئولیت شغلی، حس و حال مثبتی در محیط کارشان ایجاد می‌کنند، به بقیه همکاران به خصوص شما دلگرمی می‌دهند و خلاصه که با اخلاق هستند و بیشتر صفات خوبی که شما به عنوان یک همکار خوب از آن یاد می‌کنید در آن‌ها وجود دارد.

شما از سه طریق می‌توانید همکار خوبتان را به ما معرفی کنید؛ اول اینکه به طبقه اول سازمان تبلیغات اسلامی یعنی بخش روابط عمومی مراجعه کنید. دوم اینکه با شماره ۰۲۱۶۶۴۶۸۴۴۰ تماس بگیرید یا اینکه نام فرد مورد نظرتان را به این شماره ۰۹۳۶۶۹۱۹۰۶۳ پیامک کنید.

بعد از اینکه همکار خوبتان را به ما معرفی کردید تازه کار ما شروع می‌شود. مصاحبه‌ای را با همکار خوب شما ترتیب می‌دهیم و شما می‌توانید گفت‌وگوی صمیمانه‌ای را که با ایشان انجام شده، در شماره بعدی ماهنامه بخوانید. این گفت‌وگو همین جا در این صفحه به چاپ می‌رسد. پس آستین‌ها را بالا بزنید و اولین نفری باشید که همکار خوبتان را به ما معرفی می‌کنید.



۰۲۱-۶۶۴۶۸۴۴۰



۰۹۳۶۶۹۱۹۰۶۳

«همکار خوب»! این ماه را از نگاه همکارانش بشناسید

## احترامی اگر دارم به حرمت روضه زهرا (س) است

«بهر روز عالیا» جوانی ۲۳ ساله بود که در سازمان تبلیغات مشغول به خدمت شد و حالا از آن روزها ۳۲ سال می‌گذرد. از او که حالا مویی سپید کرده می‌پرسم: «فکر می‌کنید چرا همکارانتان شما را به عنوان همکار خوب خود معرفی کرده‌اند؟» لحظه‌ای مکث می‌کند، انگار که جواب دادن به این سؤال برایش سخت باشد. نفس عمیقی می‌کشد و آهسته می‌گوید: «نمی‌دانم! شاید به حرمت اینکه روضه خوان مادرم حضرت زهرا (س) هستم». حرفش تمام نشده چشمانش به اشک می‌نشیند.

آقای عالیا چند سالی است نوه‌دار شده است. پدربزرگ شدنش را از بزرگ‌ترین اتفاقات خوب زندگی‌اش می‌داند. از گذشته می‌پرسم، در چشم برهم‌زدنی به ۲۲ سال پیش می‌رود؛ وقتی که با جمعی از جوان‌ها در کلاس‌های آموزش قرآن شرکت می‌کرد. همه افتخار آن روزهایش این بود که پاتوقشان در مسجد ابوذر است و شاگرد مکتب امام حسین (ع) هستند. همان زمان بود که گذر بسیاری از جوان‌های این محله به سازمان تبلیغات اسلامی افتاد و بهروز عالیا از همان نسل است. آن روزها را خوب به خاطر دارد و می‌گوید: «بهار سال ۱۳۶۸ بود. به سازمان تبلیغات دعوت شدم برای روخوانی قرآن. به عنوان مصحح قرآن آمده بودم. از صبح تا آخر شب با دوستانم قرآن تصحیح می‌کردیم، همان موقع که هنوز دارالقرآن سازمانی مستقل نشده بود. آن روزها را بهترین روزهای زندگی‌اش می‌داند و می‌گوید: «در ازای کاری که عاشقانه دوستش داشت، حقوق هم می‌گرفتم؛ در حالی که به قدری همه بی‌ریا کار می‌کردند که حتی توقع دریافت حقوق برای تبلیغ اسلام را نداشتند».

از آن روزها خیلی گذشته است، بسیاری از همکاران و دوستان بهروز عالیا بازنشسته یا شهید شده‌اند. می‌پرسم حالا در سازمان احساس تنهایی نمی‌کنید؟ لیخند روی لبش می‌نشیند و می‌گوید: «نه شکر خدا. همکاران خوبی دارم». می‌پرسم: جوان‌های امروز با جوان‌های دیروز چه فرقی دارند؟ می‌گوید: «همه خوب هستند، اما فقط یک جمله می‌گویم، انسانی که تکبر داشته باشد، بوی بهشت به او نمی‌رسد». لیخندی می‌زند و ادامه می‌دهد: «حالا تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل». باز هم لیخند روی صورتش می‌دود. بعد از اینکه سازمان دارالقرآن مستقل شد، فعالیت «بهر روز عالیا» هم تغییر کرد.

مدتی در دفتر معاونت فرهنگی سازمان مشغول به کار شد. بعد هم به واحد بازرسی رفت و حالا ۱۳ سال است که در واحد بسیج کار می‌کند. می‌گوید: «تا همین یک سال پیش بیشتر کارهای تبلیغاتی، جلسه، برگزاری مراسم همه و همه را واحد بسیج انجام می‌داد. حالا زحمت بیشتر کارها به گردن روابط عمومی افتاده است. من از طرف خودم از این تریبون استفاده می‌کنم و می‌گویم بچه‌های بسیج تجربه خوبی دارند و در کنار هم می‌توانیم تأثیرگذارتر باشیم و به اهداف عالی سازمان تبلیغات اسلامی نزدیک و نزدیک‌تر شویم».

